

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 3, Spring 2021, 51-69
Doi: 10.30465/crts.2021.34854.2130

A Cii tqque add ee viwwon the oo ok “*Holding Strategic Management: A Framework for Supervision Strategies*”

Karim Esgandari*

Sheida Orafaye Jamshidi, Shadi Orafaye Jamshidi***, Mojtaba Ramazani******

Abstract

The purpose of this article is to review and criticize the book “*Holding Strategic Management*” (A Framework for Supervision Strategies). The method of evaluation and critique of this work is citation-analytical and in accordance with the model proposed by the Council for the Study of Humanities Texts and Books in the framework of general introduction, form, and content. The form quality of the work is good and in general, the main rules of writing have been observed as much as possible. There are some formal weaknesses such as: not using a specific symbol for the strategic management of the holding in the design on the cover of the book, not observing the proportion of the volume of the chapters, and lack of attractive shapes. In terms of content, addressing the issue of strategic management of the holding as an independent dimension of the parent company's strategy is one of the strengths of this work and is the first work related to this issue. However, the work suffers from a lack of logical order and coherence of content, a lack of fluency in the text, and a lack of objective examples from Iranian companies. In general, the analysis of the content of scientific and academic books can provide their possible

* Assistant Professor, Department of Public Administration, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author), Skandarik@yahoo.com

** PhD Candidate in Economics, Payame Noor University, Tehran, Iran, sheidajamshidii@gmail.com

*** PhD Candidate in Business Management, Payame Noor University, Tehran, Iran, shadiofjamshidi@gmail.com

**** Assistant Professor, Department of Business Management, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran, skandarik@gmail.com

Date received: 2021-02-10, Date of acceptance: 2021-01-30

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

strengths and weaknesses for the possible modification and change of content and form, in accordance with the set goals and scientific principles to the planners and authors of the academic books.

Keywords: *Holding Strategic Management, Patenting Strategies, Corporate Management, Holding Companies*



نقد کتاب مدیریت استراتژیک هلدینگ (چارچوبی برای استراتژی‌های سرپرستی)

کریم اسکندری*

شیدا عرفای جمشیدی**، شادی عرفای جمشیدی***، مجتبی رضانی****

چکیده

هدف از مقاله حاضر بررسی و نقد کتاب مدیریت استراتژیک هلدینگ (چارچوبی برای استراتژی‌های سرپرستی) می‌باشد. روش ارزیابی و نقد این اثر، استنادی-تحلیلی و مطابق با الگوی پیشنهادی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در چارچوب معرفی کلی، بررسی شکلی و محتوایی اثر می‌باشد. کیفیت شکلی اثر خوب بوده و به طور کلی قواعد عمومی نگارش حداقل‌امکان رعایت شده است. با وجود این نقاط ضعف شکلی اثر عبارت هستند از: عدم استفاده از نماد و نشان مشخصی از مدیریت استراتژیک هلدینگ در طرح روی جلد کتاب، عدم رعایت تناسب حجم فصل‌ها، عدم جذابیت شکل‌ها. به لحاظ محتوا، پرداختن به موضوع مدیریت استراتژیک هلدینگ به عنوان بعدی مستقل از ابعاد استراتژی بنگاه مادر یکی از نقاط قوت این اثر می‌باشد و نخستین اثر در رابطه با این موضوع می‌باشد. هر چند اثر از عدم نظم منطقی و انسجام محتوایی، عدم سلاست و روانی در متن، عدم استفاده از مثال‌هایی عینی از بنگاه‌های ایرانی رنج می‌برد. به طور کلی تحلیل محتوای کتاب‌های علمی و دانشگاهی می‌تواند نقاط قوت و ضعف احتمالی آن‌ها

* استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، Skandarik@yahoo.com

** دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران sheidajamshidii@gmail.com

*** دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران shadiofjamshidi@gmail.com

**** استادیار، گروه مدیریت بازرگانی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران skandarik@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۹

را برای اصلاح و تغییر احتمالی محتوا و شکل، متناسب با اهداف تعیین شده و اصول علمی در اختیار برنامه‌ریزان و مولفان کتاب‌های دانشگاهی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت استراتژیک هلدینگ، استراتژی‌های سرپرستی، مدیریت هلدینگ، شرکت‌های هلدینگ

۱. مقدمه

مدیریت استراتژیک به تصمیم‌های سیاسی مربوط می‌شود که کل سازمان را تحت تأثیر قرار می‌دهند و به سازمان کمک می‌کنند به نحوی مؤثر با محیط اطرافش تعامل و تبادل برقرار کند. مدیریت استراتژیک، مجموعه‌ای از تصمیم‌ها و اعمالی است که منجر به طراحی و اجرای استراتژی‌هایی می‌شود که برای حصول به اهداف یک سازمان مورد استفاده قرار می‌گیرند (رسولی و صالحی، ۱۳۹۷، ۱). استراتژی بنگاه را شناسایی هدف سازمان و برنامه و اقدامات لازم برای دستیابی به آن هدف تعریف کرده‌اند. به بیان دیگر استراتژی عبارت است از پیدا کردن فرصت‌های بازار، آزمودن و توسعه دادن مزیت رقابتی در طول زمان است. استراتژی هلدینگ در حقیقت، مشارکت ارزش افزوده‌ی اعضای دفتر مرکزی یک بنگاه چند کسب‌وکار در واحدهای تابعه خود است که هر کدام استراتژی خاص خودشان را دارند. این استراتژی‌ها در هر سه سطح سازمانی مزایایی برای هلدینگ و واحدهای تابعه به همراه دارند: دسته اول مزیت‌ها شامل مزیت‌های داخلی است؛ مانند صرفه‌جویی ناشی از محدوده که به معنی صرفه‌جویی‌های هزینه‌ای در گروه از طریق به اشتراک گذاشتن برخی از فعالیت‌ها توسط دفتر مرکزی یا انتقال قابلیت‌ها یا شایستگی‌های خاص از یک بخش بنگاه به بخش دیگر است. دسته دوم، مزیت‌های خارجی و شامل ادغام عمودی است این-که بنگاه خودش ورودی‌هایش (رو به عقب) یا محصولاتش رو به جلو را تأمین کند، قدرت بازار که زاده همکاری میان واحدهای کسب‌وکار است، سد کردن رقیب از طریق ایجاد امکان آرایه محدود و وسیعی از محصولات و خدمات با قیمت کمتر و... در این زمره است. سومین دسته از مزیت‌های ناشی از استراتژی هلدینگ، در حوزه مزیت‌های مالی است که هزینه سرمایه کمتر، تجدید ساختار کسب‌وکار (بر اثر فشارهای رقابتی بازار) و تخصیص سرمایه کارآمد نمونه‌هایی از آن به شمار می‌آیند. پژوهشگران، استراتژی هلدینگ را منحصر در تعیین ترکیب سبد کسب‌وکارها می‌دانند به عقیده آن‌ها، استراتژی هلدینگ چیزی جز اخذ تصمیماتی در خصوص اخذ و رهاسازی واحدهای تابعه نیست. از سوی

دیگر، دسته دوم پژوهشگران و در رأس آن‌ها گولد و همکارانش، استراتژی هلدینگ را منحصر در بعد استراتژی‌های سرپرستی بنگاه می‌دانند. با نگاهی دقیق‌تر به تقسیم‌بندی مطرح شده در بالا می‌توان دریافت که تفکیک کار ویژه‌های دفتر مرکزی در شرکت‌های هلدینگ امری درست و قابل دفاع است؛ زیرا سرپرست در شرکت‌های هلدینگ باید در هر سه بعد هدایتی، تعیین ترکیب سبد و سرپرستی ایفای نقش کند. لیکن نکته حایز اهمیت آن است که چنان‌چه عصاره استراتژی را اخذ تصمیمات استراتژیک و پیاده‌سازی آن‌ها بدانیم، هر تصمیم استراتژیک در سطح هلدینگ می‌تواند به صورت هم‌زمان دارای هر سه جنبه هدایتی، ترکیب سبد و سرپرستی باشد و بدین ترتیب با یک ساخت سه بعدی از استراتژی‌های سطح بنگاه مواجه هستیم که در هر لحظه هر سه بعد را در برداشته باشد (خاشعی و رنماخواستی و ولین، ۱۳۹۷).

در مقاله حاضر به نقد کتاب مدیریت استراتژیک هلدینگ (چارچوبی برای استراتژی‌های سرپرستی) پرداخته شده است. همان‌طور که می‌دانیم، یکی از ملاک‌های مهم در ارتقای جامعه، توجه به میزان تولیدات علمی و پژوهش‌های آن جامعه است. چرا که، تولید علم و دانش فقط از طریق پژوهش و نشر دستاوردهای علمی، حاصل نمی‌شود. بلکه لازمه قرار گرفتن نتایج پژوهش‌ها در چرخه دانش و بهره‌برداری از آن‌ها، ارزیابی محتوایی و ساختاری و بیان نقاط قوت و ضعف آثار است. بنابراین فقط انجام پژوهش‌های بنیادی و کاربردی از سوی پژوهشگران کفایت نمی‌کند، زیرا در این صورت بسیاری از کارهای با ارزش علمی اعم از کتاب و مقاله در ظلمات گمنامی باقی می‌ماند و کسی از آن‌ها باخبر نمی‌شود، مگر این‌که نقد و بررسی از این گمنامی بیرون آورده شوند. هم‌چنین از سوی دیگر ارزشیابی و نقد، معیار شناخت آثار اصیل از غیراصیل است، با نقد این آثار اهمیت آن‌ها نزد اهل مطالعه و تحقیق معلوم می‌شود. از دیدگاه برخی صاحب‌نظران هدف اصلی نقد و بررسی کتاب، آگاه کردن خوانندگان از کتاب‌های جدید و باکیفیت و هدایت آن‌ها به سوی مطالعه این نوع کتاب‌ها است (سلیمان‌زاده نجفی و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۵-۱۶).

بنابراین تألیف کتابی با عنوان مدیریت استراتژیک هلدینگ جهت آشنا ساختن مخاطبان و سرپرستان با این موضوع به صورت اختصاصی و مجزا بسیار ارزشمند است و این اثر و آثار از این قبیل هر چه در بوته نقد و اصلاح قرار گیرند، منجر به رشد و بسط این موضوع شده و به تدریج می‌توانند ادبیات علمی در این عرصه را شکوفاتر و غنی‌تر سازد. در این

راستا مقاله حاضر به معرفی کلی اثر یاد شده و بررسی شکلی و محتوایی آن می‌پردازد با این هدف که بتواند به سهم خود، مؤلفان محترم را در بازخوانی کتاب یاری رساند.

۲. معرفی کلی اثر (مرور اجمالی بر محتوای اثر)

کتاب مدیریت استراتژیک هلدینگ چارچوبی برای استراتژی‌های سرپرستی با مشخصات ۳۷۰ صفحه در قطع وزیری، از سوی انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی به چاپ رسیده و مشتمل بر گفتار ناشر، پیشگفتار، هفت فصل، منابع و مأخذ و نمایه‌ها است.

در قسمت پیشگفتار، مؤلفان درباره اهمیت موضوع استراتژی سرپرستی و در خصوص معادل فارسی کلمه (Parenting) (سرپرست) پرداخته‌اند، در ادامه به ضرورت تدوین کتاب و نوآوری و مزیت آن نسبت به کتاب‌های دیگر در این زمینه پرداخته شده است. مؤلفان معتقد هستند که غیر از اثر مایکل گولد، که از تألیف آن ربع قرن می‌گذرد، سایر منابع موجود، استراتژی‌های سرپرستی را تنها به عنوان یکی از ابعاد استراتژی‌های بنگاه مادر در نظر گرفته‌اند هم‌چنین معتقدند چنان‌چه استراتژی‌های سرپرستی به خوبی تبیین نشود، اصل وجود هلدینگ با پرسش جدی مواجه خواهد بود. با این وجود در ادبیات مدیریت استراتژیک (در داخل کشور و خارج از کشور) کتاب مستقلی در خصوص استراتژی‌های سرپرستی وجود ندارد و پژوهش‌های پراکنده در این خصوص نیز هر کدام به یکی از جنبه‌های سرپرستی پرداخته‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت مفهوم سرپرستی و الزامات و چارچوب‌های موضوع استراتژی‌های سرپرستی بررسی و واکاوی شده و نسبت آن با پیشرفت‌های به وجود آمده در سایر حوزه‌های مدیریت استراتژیک تبیین نگردیده است. در نهایت به ساختار کتاب و توضیحات مختصر از هر فصل اشاره شده است.

در فصل اول به بررسی مفهوم استراتژی و رویکردهای مطرح در زمینه تدوین آن و سطوح استراتژی پرداخته شده است. در واقع در این فصل مؤلفان به دنبال ایجاد درک کلی و مشترک از مفهوم استراتژی می‌باشند همچنین رویکردهای پیاده‌سازی استراتژی که شامل تجویزی و ظهورنده می‌باشد ارایه شده است.

در فصل دوم به بالاترین سطح از سطوح استراتژی یعنی استراتژی سطح هلدینگ در سازمان پرداخته شده است. مؤلفان در این فصل به معرفی و بررسی مفاهیم و بنیان‌های استراتژی‌های سطح هلدینگ اشاره دارند سپس مهم‌ترین تعاریف مطرح شده در ادبیات

مدیریت استراتژیک در این زمینه مطرح شده است. بخش پایانی این فصل نیز به بررسی مراحل توسعه گام به گام استراتژی‌های هلدینگ اختصاص دارد.

فصل سوم به بررسی مفاهیم کلی و چارچوب‌های شناسایی و شکل‌گیری استراتژی‌های سرپرستی در شرکت‌های هلدینگ می‌پردازد.

در فصل چهارم به نخستین قسمت از سه جنبه اصلی استراتژی‌های سرپرستی می‌پردازد. اولین قسمت، رابطه سرپرستی میان دفتر مرکزی و واحدهای تابعه در هلدینگ می‌باشد. در این فصل رابطه سرپرستی و پارادوکس‌های سرپرستی و شرایط غلبه بر آن‌ها که زمینه‌ساز شکل‌گیری مزیت سرپرستی است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در فصل پنجم به دومین بعد از استراتژی سطوح هلدینگ پرداخته شده است. در این فصل پس از بررسی مفهوم تناسب در شرکت‌های هلدینگ، سازوکارهای ارزیابی میزان برازندگی و همچنین روش‌های دستیابی به آن بررسی می‌شود. سپس با به کارگیری ابعاد پویای محیطی مدل شکل‌گیری تناسب توسعه داده می‌شود و در ادامه مفهوم تقاضای سرپرستی معرفی و نقش آن در ایجاد تناسب در سطح هلدینگ معرفی می‌گردد.

فصل ششم نیز به بعد نهایی از ابعاد سه‌گانه استراتژی سطح هلدینگ یعنی ارزش‌آفرینی پرداخته شده است. موضوع ارزش‌آفرینی در این فصل از دو منظر فعالیت‌های ارزش‌آفرین و فعالیت‌های مخرب ارزش در هلدینگ مورد بررسی قرار گرفته است. این فصل با بررسی دقیق فعالیت‌های هلدینگ در این دو بعد، به ارائه راهکارهایی برای ایجاد ارزش خالص مثبت می‌پردازد.

در فصل هفتم مؤلفان به دنبال شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری استراتژی‌های سرپرستی در شرکت‌های هلدینگ می‌باشند در نهایت استراتژی سرپرستی به صورت یک نظریه جامع شکل‌گیری استراتژیک سرپرستی در قالب ساختاری درختی گردآوری شده است.

در پایان هر یک از فصول، خلاصه‌ای از محتوای آن فصل آورده شده است. هم‌چنین پرسش‌هایی برای اندیشه بیشتر در رابطه با موضوع فصل ارائه شده است.

در پایان هر یک از فصول، منابعی برای مطالعات بیشتر به مخاطبان اثر نیز معرفی شده است.

۳. بررسی ابعاد شکلی اثر

بررسی ظاهری اثر: عنوان و طرح جلد کتاب از جمله اولین و مهم‌ترین عوامل در تأثیرگذاری اولیه و جذب مخاطب برای خواندن کتاب هستند که می‌توانند شوق لازم جهت توجه به یک کتاب خاص و یا دافعه جهت عدم توجه به یک کتاب را در برداشته باشند. لی لیبرو (Lee Libro)، طراح جلد می‌گوید: «طرح جلد کتاب اغلب اولین عامل تأثیرگذاری و جذابیت کتاب است و بنابراین قوی‌ترین ابزار تأثیرگذاری اولیه برای نویسنده است، به عنوان طراح جلد کتاب، هدف اصلی، تأثیرگذاری است که از طریق برقراری ارتباطی مؤثر میان افکار درونی نویسنده و اولین برخورد عموم مخاطبان با طرح جلد کتاب رخ می‌دهد»، از نظر او الف) طرح روی جلد کتاب کنجکاو بالقوه خواننده را برای توجه به کتاب جلب می‌کند. ب) طرح جلد باید مضمون اصلی محتوا و عناصری از داستان را منتقل کند. ج) عناصر گرافیکی به شیوه‌ای کاملاً حرفه‌ای انتخاب و اعمال می‌گردد. د) متن پشت جلد کتاب و دیگر عناصر نوشتاری روی جلد که باید به دقت بسیار تهیه شوند بر ارتقاء تأثیرگذاری کتاب بسیار مؤثر هستند. ه) محوطه و فضای دربرگیرنده متن به گونه‌ای متوازن طراحی می‌گردد که وزن کافی تصویری برای متن ایجاد نماید و ضمن جلب توجه خواننده به متن، با استفاده از تعداد زیاد کلمات دافعه ایجاد نکند (اکبری‌تبار، ۱۳۹۱). به عبارتی صورت ظاهر یک اثر به عنوان اولین عنصر ارتباطی خواننده-متن و شاکله و استقرار آن، تأثیر اولیه شکل‌دهنده‌ای روی خواننده می‌گذارد. تحقیقات زیادی در خصوص اثر شاکله متن بر تصور خواننده بر محتوا انجام شده و کتب زیادی در این خصوص نوشته شده است که برخی از آن‌ها بنیادی هستند و بیان می‌کنند وجوه خطابی و ساختار متن، بر سازنده تصور خواننده از علمی بودن و غیر علمی بودن، وثاقت و عدم وثاقت و وزین بودن یا نبودن است و روی انتخاب اثر برای خواندن اثر مستقیمی دارد. بنابر این شکل کتاب به عنوان اولین رابط بصری خواننده-متن می‌تواند اولین عنصر نقد هر اثر نیز باشد (شقاقی، ۱۳۹۹، ۲۳۰). پژوهش‌ها نشان می‌دهند آن دسته از کتاب‌هایی که سازماندهی بهتری دارند یا سازماندهی خود را برای خواننده روشن و آشکار می‌سازند، بر میزان فهمیدن، به خاطر سپردن و به کار بستن اطلاعات آموخته شده می‌افزایند (رضی، ۱۳۸۸، ۲۷).

طرح روی جلد کتاب حاضر، درختی تنومند در یک فضای سرسبز را نشان می‌دهد که در نگاه اول با توجه به محتوای اثر، غیرمرتبط به نظر می‌رسد اما پس از مطالعه کتاب چنین استنباط می‌شود که منظور از چنین طرحی، نشان دادن سطوح مدیریت استراتژیک هلدینگ

در بنگاه است که شایسته است، طراحی روی جلد چنین اثری با محتوای مربوط به مدیریت استراتژیک هلدینگ، کمی حالت گرافیکی تر و آثاری از هلدینگ و استراتژی را در نگاه اول به مخاطب انتقال دهد. از این رو طرح روی جلد، نماد و نشان مشخصی از مدیریت استراتژیک هلدینگ ندارد.

نوع و اندازه‌ی قلم با توجه به محتوای کتاب مناسب می‌باشد.

جداول مورد استفاده به صورت زنده ترسیم شده است که این ویژگی در اشکال و نمودارهای مورد استفاده در اثر مشهود نیست چرا که اشکال مورد استفاده بیشتر در قالب عکس یا Image با کیفیت پایین بوده که این نوع نگارش و طراحی از کیفیت تصاویر می‌کاهد. ترسیم اشکال و نمودارها به صورت زنده و حداقل امکان چاپ و انتشار اثر به صورت رنگی به جذابیت اثر می‌افزاید. بنابراین فاقد جذابیت می‌باشد.

صفحه‌آرایی کتاب بسیار ساده و معمولی است. در پانویس کردن کلمات؛ ضعف عمده‌ای که مشاهده می‌شود این هست که معمولاً برای این‌که عبارت پانویس شده دقیقاً مشخص شود که عبارت انگلیسی یا غیرفارسی مربوط به کدام می‌باشد، کلمه یا عبارت مدنظر را سرکج (Italic) می‌کنند تا این امر باعث سردرگمی و ابهام در معادل‌سازی عبارات فارسی به انگلیسی یا هر زبان دیگر نشود.

غلط‌آملائی متن و مسائل رسم‌الخطی و نگارشی نسبتاً کم است. مواردی که در این بین بیشتر به چشم می‌خورد، عدم رعایت فاصله بین واژگان در متن می‌باشد که یا واژگان به هم چسبیده‌اند و اصله‌ای بین‌شان نیست و یا فاصله‌ی واژگان از هم زیاد است.

فهرست مطالب به صورت استاندارد تنظیم شده است ولی جداول، نمودارها و اشکال فاقد فهرست جداگانه هستند.

هر فصل شامل اهداف فصل، محتوای فصل، خلاصه و جمع‌بندی، پرسش‌هایی برای اندیشه بیشتر و منابع برای مطالعات بیشتر می‌باشد.

کیفیت اثر به لحاظ صحافی نسبتاً خوب و قواعد نگارش نیز در آن تا حدی رعایت شده است.

اندازه حروف انگلیسی، کوچکتر از حروف فارسی نوشته شده است که به زیبایی متن افزوده شده است.

ابزار علمی مورد استفاده در اثر جداول، نمودارها و اشکال است که فهم مطالب را برای خواننده آسان می‌سازد. ذکر این نکته حائز اهمیت می‌باشد که زمانی اشکال و جدول‌ها و ...

ارزش آموزشی خواهند یافت که درباره دلیل استفاده از آن‌ها و ارتباط آن‌ها با بحث و اهمیتشان توضیحی هر چند مختصر داده شود (آرمند، ۱۳۹۹، ۱۲).

عدم رعایت تناسب حجم فصل‌ها در اثر دیده می‌شود. فصل اول ۳۳ صفحه، فصل دوم ۴۳ صفحه، فصل سوم ۲۵ صفحه، فصل چهارم ۳۰ صفحه، فصل پنجم ۲۲ صفحه، فصل ششم ۳۷ صفحه و فصل هفتم ۱۱۹ صفحه می‌باشد. این امر گویای آن است که در طراحی اولیه و فصل‌بندی‌های کتاب، دقت لازم به عمل نیامده است.

ویرایش ادبی اثر: نگارش علمی نامناسب می‌تواند به عنوان یک مانع در ارتباطات علمی محسوب شود. نگارش علمی را برخی یک علم و بعضی یک هنر و عده‌ای نیز ترکیب علم و هنر می‌دانند که حفظ کیفیت مطلب در آن الزامی است (طباطبایی و فاضل-زاده، ۱۳۹۲، ۲۰).

در این اثر قواعد نگارشی به خوبی رعایت نشده است و از علایم سجاوندی و ویرایشی به ندرت به درستی استفاده شده است. از لحاظ املاء و تایپ در برخی موارد صحیح نمی‌باشد. در برخی مواقع دیده می‌شود حروف پس‌و پیش نوشته شده است مثلاً کلمه «نتیجه» به صورت «تیجه» نوشته شده است. در یکی دو مورد نیز یکی از حروف کلمه از قلم افتاده به عنوان مثال حرف «پ» از کلمه «پیشنهاد» از قلم افتاده است. در برخی موارد نیم‌فاصله‌ها رعایت نشده است. به طور مثال «همچنان» باید به صورت «هم‌چنان» نوشته شود. یا کلمه «همچون» که بهتر است به صورت «هم‌چون» نوشته شود. یا «کرده اند» بهتر است به صورت «کرده‌اند» نوشته شود. در طول متن کتاب کلمه فرآیند به صورت «فرایند» نوشته شده است که بهتر است به صورت «فرآیند» نوشته شود. در طول متن کتاب و در بعضی موارد مابین کلمات فاصله داده نشده است که موجب ناخوانا شدن کلمات و عبارات می‌شود. در برخی موارد نیز یک کلمه دو بار پشت سرهم نوشته شده است به عنوان مثال کلمه «با» دو بار به صورت «با با» نوشته شده است. گه‌گاهی نیز یک حرف دوبار تکرار شده است یک مورد آن کلمه «خدمات» که به صورت «خدماتات» نوشته شده است.

بهتر است پس از درج شماره‌های هر عنوان در مباحث فصول («») گذاشته شود. در صفحه ۱۰۴، شماره به صورت «۲-۳» انواع استراتژی‌های سرپرستی» نوشته شده است که می‌بایست به صورت «۲-۳. انواع استراتژی‌های سرپرستی» نوشته شود و یا در پایان پاراگراف، علامت «.» می‌بایست پس از درج منبع گذاشته شود. به عنوان مثال در صفحه

۱۱۷، محل درج نقطه می‌بایست به صورت «... در هلدینگ شود (کروهلر و همکاران، ۲۰۱۲)» نوشته شود.

استفاده درست از نشانه‌های فصل و وصل از قبیل: نقطه، پرسش، تعجب، ویرگول، نقطه‌ویرگول، دو نقطه و ... در هر متنی برای انتقال صحیح مفاهیم بسیار حائز اهمیت است (سمیعی، ۱۳۹۲، ۲۵۶).

از این رو در مقالات و نوشتارهای علمی برای استناد به یک منبع منتشر شده یا نشده به شیوه‌ی ارجاع‌دهی مشخصی نیاز است. یک شیوه‌ی ارجاع‌دهی، بیان عددی - الفبایی مختصری است که در متن کار علمی و در بخش کتاب‌شناسی کار قرار می‌گیرد تا بر مربوط بودن آثار دیگران به موضوع مورد بحث، درست در نقطه‌ای که به آن استناد شده است، صحنه بگذارد. شیوه‌های ارجاع‌دهی دو کارکرد اساسی دارند: ۱- از صداقت علمی حمایت و از سرقت ادبی جلوگیری می‌کنند. ۲- کارها و یا ایده‌های قبلی را به منابع درست مرتبط می‌سازند با این هدف که خواننده بتواند خودش دنبال کند که آیا منابع ارجاع داده شده از آن‌چه نویسنده ادعا دارد حمایت می‌کند یا نه؛ از طرفی نیز به خواننده کمک می‌کند تا میزان قدرت و اعتبار منابع مورد استفاده را مورد قضاوت قرار دهد (یغمائیان، ۱۳۹۴، ۱۳۹).

رعایت اصول ارجاع‌دهی: وظیفه‌ی اخلاقی و حرفه‌ای هر پژوهشگری است تا با رعایت موازین اخلاقی، منابع و مآخذ پژوهش خود را مستند گرداند. به عبارت دیگر، استفاده از مطالب اینترنتی و نتایج تحقیقات دیگران منوط به ذکر نام و آدرس اینترنتی آن‌ها است. بدین ترتیب، علاوه بر لحاظ شدن شرط اخلاقی، خوانندگان پژوهش‌های جدید نیز قادر خواهند بود در صورت لزوم به منابع و مآخذ ذکر شده در پایان گزارش تحقیق یا مقاله رجوع نموده و اطلاعات مورد علاقه خود را از منبع اصلی آن کاوش نمایند. تاکنون، روش‌های متعددی برای بیان منابع و مآخذ مطالب الکترونیکی ارائه شده است، اما ذکر جزئیات ضروری می‌تواند تا حدی گره‌گشای مشکلات فعلی باشد (شموسی، ۱۳۸۱).

تمامی ارجاعات حتی ارجاعات انگلیسی به صورت فارسی نوشته شده است که جست‌وجوی منبع پایان متن آن منبع را برای مخاطبانی که خواهان دسترسی به منبع اصلی می‌باشد با مشکل روبه‌رو می‌سازد.

به طور کلی در این اثر ارجاع‌دهی درون متنی رعایت شده است. نقطه ضعف در این قسمت این است که مواقعی که داخل متن منبع زده شده در نمودار یا شکل یا جدول منبع

زده نشده و زمانی که در نمودار، شکل یا جدول منبع زده شده در داخل متن منبع زده نشده است، در برخی مواقع نیز پاراگراف‌های نوشته شده منبع داخل متن زده نشده‌اند. در قسمت فهرست منابع یا کتاب‌نامه؛ منابع استفاده شده معتبر و مرتبط با عنوان کتاب و هر فصل است. با توجه به این‌که این اثر چاپ اول بوده و مربوط به سال ۱۳۹۷ می‌باشد. انتظار می‌رفت نویسندگان محترم از منابع جدید و حداقل ۵ سال اخیر استفاده می‌کردند. در حالت کلی با توجه به چاپ کتاب در سال ۱۳۹۷ به شمسی و میلادی (۲۰۱۸) چاپ شده است و هم‌چنین با توجه به این‌که عنوان کتاب «مدیریت استراتژی هلدینگ» می‌باشد فلذا انتظار می‌رفت در این اثر ارزشمند از منابع به‌روز لاتین بیشتر استفاده می‌شد. در برخی از موارد از معادل‌های فارسی کلمات انگلیسی به درستی استفاده نشده است. به عنوان مثال در صفحه ۱۳۹، عبارت «تضاد» به صورت «پارادوکس» نوشته شده است.

۴. تحلیل و ارزیابی محتوای اثر

در بررسی ابعاد آموزشی اثر می‌توان عنوان کرد با توجه به عنوان کتاب که «مدیریت استراتژیک هلدینگ، چارچوبی برای استراتژی‌های سرپرستی» است. بهتر بود که نویسندگان از جز به کل می‌رفتند یعنی نخست مباحثی از مبحث مدیریت «که در این اثر هیچی مطلبی از مدیریت آورده نشده است» سپس استراتژی و سپس استراتژی هلدینگ آورده می‌شد و در نهایت به ابعاد و سطوح استراتژی هلدینگ پرداخته می‌شد. سرفصل‌های کتاب بیشتر در خصوص سطوح استراتژی هلدینگ می‌باشد. بهتر بود به جای این‌که برای هر سطح یک فصل مجزا اختصاص داده شود و در خصوص هر کدام توضیحات اضافی آورده شود که منجر به سردرگم شدن خوانندگان گردد، در یک فصل کتاب، سطوح استراتژی هلدینگ به صورت کاربردی بیان می‌شد. بهتر بود از سرفصل‌های وزارت علوم و تحقیقات جهت زیبایی و غنی‌تر شدن اثر استفاده می‌شد. از منظر مسئله‌مندی و پاسخگویی اثر به نیازهای علمی و کاربردی کشور با توجه به اینکه شرکت‌های هلدینگ که یکی از نسخه‌های تجویزی جهت کوچک‌سازی دولت می‌باشد بسیار اهمیت دارد و با توجه به این‌که از عمر هلدینگ‌ها در ایران مدت زیادی نمی‌گذرد، داشتن الگوی تصمیم‌گیری و برخورداری از استراتژی، لازمه موفقیت این شرکت‌ها است. مؤلفان محترم نیز با همین نگرش و به همین منظور، اقدام به تألیف این اثر نموده‌اند. در این اثر بیشتر توجه و تمرکز بر روی سطوح استراتژی‌های هلدینگ می‌باشد در حالی در

خصوص نحوه مدیریت استراتژی‌های هلدینگ بحثی نشده است. در صورتی که اگر در اثر از نحوه مدیریت و برنامه‌ریزی و کنترل استراتژی در شرکت‌های هلدینگ نیز مطالبی آورده می‌شد اثر غنی‌تر می‌شد.

این اثر در ۷ فصل تنظیم گردیده است که مطالب اثر در قالب همین ۷ فصل، تقریباً دارای انسجام بیرونی و مرتبط با یکدیگر بوده و ترتیب و توالی نسبتاً خوبی بین فصول حاکم است. بهتر بود در فصل اول به جای عنوان «استراتژی و سطوح آن» طبق سرفصل وزارت علوم و تحقیقات عنوان «آشنایی با مبانی و اصول تفکر استراتژیک» آورده می‌شود و سپس در یک فصل مجزا با نام «سطوح استراتژی» در خصوص سطوح بحث می‌گردید.

در اکثر فصول این اثر و متناسب با عناوین هر فصل، مبانی نظری و پیش‌فرض‌های علمی هم‌چون تعاریف و مفاهیم عبارات و متغیرهایی از قبیل: مفهوم استراتژی، مفهوم استراتژی هلدینگ، مفهوم استراتژی سرپرستی و ... استفاده شده است. اما متأسفانه توضیح اضافی و آوردن مطالب فراوان در خصوص هر کدام از موارد موجب سردرگمی خوانندگان و دور شدن از مطلب اصلی می‌گردد. انتظار می‌رفت نویسندگان محترم به بیان مطالب کاربردی از هر کدام از مطالب در فصل‌ها می‌پرداختند هم‌چنین برای درک بیشتر خوانندگان از مثال‌هایی عینی در سازمان‌های داخل کشور استفاده می‌گردید.

با توجه به این‌که این اثر از منابع انگلیسی هر چند قدیمی ولی استفاده شده است که به صورت ترجمه در داخل متن استفاده گردیده است. در نتیجه معادل‌سازی برای واژه‌های تخصصی نیز متأثر از همین موضوع بوده و تغییری در کلمات و واژه‌ها ایجاد نشده است. در برخی موارد معادل‌سازی به خوبی انجام نشده است. در طول متن کتاب بهتر است عبارات انگلیسی به شکل صحیح آن ترجمه شود به عنوان مثال در صفحه ۱۰۴، بهتر است به جای «سنجه‌های کلیدی عملکرد» که برای عبارت «Key Performance Index» نوشته شده است، از معادل فارسی «شاخص‌های کلیدی عملکرد» استفاده شود.

در خصوص میزان رعایت اخلاق علمی، مؤلفان در هر فصل منابع مورد استفاده در هر فصل را به صورت داخل متن درج کرده است. در رابطه با بحث منبع‌نویسی تنها ضعفی که دیده می‌شود این هست که برخی شکل‌ها، نمودارها و جداول منبع زده نشده است و برخی مواقع نیز در داخل متن پاراگراف نوشته شده منبع زده نشده است که این از ارزش اثر می‌کاهد.

با توجه به این که در سرفصل‌های وزارت علوم تأکید بیشتر بر روی آموزه‌های اسلامی می‌باشد ولی در این اثر مؤلفان از مبانی غنی آموزه‌های اسلامی غافل شده‌اند که استفاده و هم‌راستا نمودن این اثر با آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی بر زیبایی و غنی‌سازی اثر می‌افزاید. با توجه به مطالب طرح شده در اثر، به نظر می‌رسد که محتویات اثر اصلاً، با ارزش‌های اسلامی و ایرانی هماهنگ و منطبق نیست. احتمالاً با توجه به این که عنوان اثر «مدیریت استراتژیک هلدینگ» می‌باشد و به علت نوپا بودن شرکت‌های هلدینگ در ایران، نویسندگان مطالب اسلامی-ایرانی مرتبط با هلدینگ در اثر نیاورده‌اند. اما می‌توان از سرفصل‌های وزارت علوم و تحقیقات که در آن در خصوص اسلامی-ایرانی نیز آورده شده است به منظور غنی‌تر کردن مفاهیم، استفاده نمایند.

از لحاظ خلاقیت و نوآوری می‌توان عنوان کرد که این اثر با عنوان «مدیریت استراتژیک هلدینگ» به طور مستقلی به استراتژی‌های سرپرستی پرداخته شده است با هدف ایجاد بنیان‌هایی برای پژوهش‌های آتی در زمینه شکل‌گیری و پیاده‌سازی استراتژی‌های سرپرستی در شرکت‌های هلدینگ ارایه شده است.

: یکی از نقطه ضعف‌های این اثر به روز نبودن منابع می‌باشد. هم‌چنین منابع فارسی بسیار کمی استفاده شده است و منابع انگلیسی استفاده شده نیز قدیمی می‌باشند.

در داخل فصل اول با توجه به عنوان آن (استراتژی و سطوح آن)، تیتری با نام اختصاصی و مجزای سطوح استراتژی آورده نشده است و به صورت پراکنده سطوح در تیتیر فرعی «مؤلفه‌های اصلی شکل‌دهنده‌ی استراتژی» آورده شده است که بهتر است بعد از معرفی مؤلفه‌ها «زمینه، محتوا، فرآیند»، تیتیری با عنوان «انواع سطوح استراتژی» که در زیر تیتیرهای فرعی آن «استراتژی سطح بنگاه، استراتژی سطح کسب‌وکار، استراتژی وظیفه‌ای» قرار دارد، آورده شود. هم‌چنین از منبع لینچ ۲۰۰۶ مکرراً و پشت سر هم استفاده شده است بهتر است میان مطالب یک منبع از یک منبع دیگر استفاده کرد و سپس دوباره به آن منبع «لینچ» رجوع کرد.

فصل دوم از نظم منطقی و انسجام درونی خوبی برخوردار می‌باشد و تیتیرها و مطالب آورده شده در متن این فصل مرتبط با عنوان فصل می‌باشد.

در نگارش یک متن علمی دو مؤلفه انسجام و یکدستی از اهمیتی ویژه برخوردار است. منظور از انسجام پیوند منطقی میان اجزاء خرد و کلان یک متن است. به نحوی که خواننده بتواند سیر طبیعی و پیوسته کلام نویسنده را در آن ببیند و موضوع را دنبال کند. به این

ترتیب انسجام می‌تواند میان جمله‌های یک پاراگراف، میان پاراگراف‌های یک فصل یا میان فصول یک کتاب باشد. در نتیجه متنی که منسجم است خواننده در خلال خواندن آن احساس سردرگمی نمی‌کند و بدون کمترین زحمتی می‌تواند بحث را پیگیری کند. یکدستی یا سازگاری هم اشاره به یکسانی در بیان مفاهیم و شکل ظاهری کلمات است (منصوریان، ۱۳۹۲، ۱۲-۱۳).

در فصل سوم برای ابعاد استراتژی هلدینگ ارائه شده، منبع یا چارچوب نظری ذکر نشده است یا اگر در صورتی که نظر خود مؤلفان می‌باشد باید ذکر شود که از کدام منبع و به چه روشی این ابعاد در خصوص استراتژی هلدینگ استخراج شده است. بهتر است در فصل سوم بعد از ارائه سه بعد مستندات استخراج این منبع ذکر گردد و در خصوص هر کدام نیز توضیح مختصری داده شود. در فصل سوم، مطرح کردن شکل ۳-۱ بدون هیچ توضیحی در ابتدای فصل مناسب نمی‌باشد زیرا موجب سردرگمی و ابهام در مخاطب می‌شود. به منظور رعایت انسجام درونی و نظم منطقی فصل و باتوجه به این که فصول چهارم، پنجم و ششم به توضیح هر یک از این ابعاد اشاره شده در شکل می‌پردازد لازم است این شکل به بخش پایانی فصل سوم منتقل شود و توضیحاتی کلی در خصوص شکل با ذکر منبع داده شود. در برخی از موارد در کتاب دیده می‌شود مؤلفین بدون عنوان تیترو وارد مبحثی جدید می‌شوند. به عنوان مثال در صفحه ۱۰۸، فصل سوم، مبحث مربوط به «ساختار سازمانی بنگاه» بدون ذکر تیترو شروع شده است که موجب سردرگمی شده و این‌گونه به نظر می‌رسد که ادامه توضیحات مربوط به «مدیر درگیر» می‌باشد. بنابراین بهتر است قبل از شروع مبحثی، تیتروها به دقت ذکر شوند. در فصل سوم صفحه ۱۱۳، تیترو «شکل‌گیری استراتژی سرپرستی» عنوان شده است که مطالب آورده شده مربوط به منافع و موانع شکل-گیری استراتژی‌های سرپرستی می‌باشد. به طور کلی وقتی عنوانی مطرح می‌شود می‌بایست مرتبط با عنوان مطالب آورده شود و سپس عنوانی مجزا برای مطالب دیگر در صورت مرتبط بودن با موضوع آورده شود.

در فصل چهارم صفحه ۱۳۰، جدولی با عنوان «طیف نقش‌های مدیریتی در سطوح بنگاه و اختیار مسئولیت آن‌ها» آورده شده است که علاوه بر این که هیچ توضیحی در مورد جدول داده نشده است، منبع آن نیز مشخص نمی‌باشد.

مطالب آورده در فصول پنجم و ششم از انسجام درونی و منطقی برخوردار می‌باشند.

در پایان فصل هفتم، در صفحه ۳۳۶، شکلی با عنوان «درخت استراتژی‌های سرپرستی در شرکت‌های هلدینگ» آورده شده است در حالی هیچ توضیحی از سطوح عنوان شده در داخل شکل «سطح اول تا سطح پنجم»، در متن کتاب آورده نشده است و هم‌چنین مشخص نشده است که آیا درخت ترسیم شده نتیجه‌گیری مؤلف می‌باشد یا خیر، این موضوع باید در متن مشخص شود.

۵. نتیجه‌گیری

تلاش نویسنده در ارائه بحث‌های مدیریت استراتژیک هلدینگ به منظور ارائه چارچوبی برای استراتژی‌های سرپرستی قرین توفیق بوده است ولی ارائه یک چارچوب منسجم و یکپارچه جهت مدیریت کاربردی شرکت‌های هلدینگ و عدم وجود نظم منطقی بین بخش‌های مختلف اثر موجب عدم دریافت کلی و نتیجه‌ای کاربردی از مباحث می‌شود. از این رو کتاب فاقد نظم محتوایی می‌باشد که می‌بایست مورد بازنگری توسط نویسندگان محترم قرار گیرد. از طرف دیگر، محتوای به کار برده شده در متن اثر دارای کیفیت خوبی می‌باشد که فقط نیازمند بازنگری از نظر ترتیب‌بندی در آن می‌باشد که می‌تواند یکی از نقاط قوت اثر به حساب آید. خطاهای محتوایی نیز به دلیل ازدیاد و اینکه به اصل مطلب لطمه وارد می‌سازد باید مورد بازنگری قرار گیرد. بیان کاستی‌های کتاب، به هیچ وجه نافی زحمات نویسندگان و تلاش در خور تحسین آنان نمی‌باشد و صرفاً در راستای تکمیل این اثر ارزشمند می‌باشد.

در بیان کاربردهای اثر با توجه به هدف آن؛ «ارائه چارچوبی برای استراتژی‌های سرپرستی»، در فصل پایانی موضوعی با عنوان «درخت استراتژی‌های سرپرستی در شرکت‌های هلدینگ» ارائه شده است که انتظار می‌رفت با مطالعه این فصل، اثر به هدف آن بیشتر نزدیک گردد در صورتی که سطوح ارائه شده در این اثر توصیف نشده و راهکارهایی کاربردی جهت مدیریت شرکت‌های هلدینگ ارائه نشده است. از طرفی می‌بایست بحث‌های مدیریت استراتژیک بر اساس اصول، فرهنگ و نیازهای حاکم بر جامعه و شرکت‌های هلدینگ در کشور طراحی و تدوین گردند.

این اثر می‌تواند به عنوان یک اثر مکمل در مقطع کارشناسی ارشد برای رشته‌های مدیریت و مرتبط با درس مدیریت استراتژی پیشرفته مورد استفاده قرار گیرد. اما از آنجایی که منابع به روز و جدید در اثر استفاده نشده و به برخی مطالب از جمله (نحوه مدیریت و

برنامه‌ریزی استراتژی هلدینگ) اشاره‌ای نشده است، از این رو نمی‌تواند به عنوان یک اثر مرجع و اصلی با توجه به اهداف درس مدیریت استراتژی هلدینگ تلقی شود و به عنوان یک اثر جانبی و کمکی می‌توان از آن بهره جست.

در انتها پیشنهادهایی در راستای بهبود اثر با در نظر گرفتن نقاط ضعف و کاستی‌های موجود در آن ارائه می‌شود:

- مؤلفان بازنگری کلی در نگارش اثر (از قبیل: آوردن مطالبی در خصوص آشنایی با مبانی و اصول تفکر استراتژیک، آشنایی با شرکت‌های هلدینگ، نحوه مدیریت و برنامه‌ریزی استراتژی هلدینگ) انجام دهند.
- بهتر است مؤلفان موانع و مشکلات و چالش‌های شرکت‌های هلدینگ را در کشور عزیزمان ایران مورد بررسی قرار دهند.
- بهتر بود سطوح استراتژی هلدینگ در یک فصل مجزا آورده می‌شدند و در فصول دیگر به موضوعات دیگری پرداخته می‌شد و از منابع لاتین و به روز و هم‌چنین تقویت مانع فارسی به روز به خوبی استفاده شود.
- بهتر است شماره و عنوان اشکال در زیر شکل‌ها آورده شود.
- مباحثی از ارزش‌های اسلامی- ایرانی در اثر آورده شود.
- در ابتدای فصول اثر، لازم است مقدمه‌ای قبل از ورود به مباحث نگارش شود تا ذهن خواننده آماده مطالعه‌ی فصل باشد.
- مقدمه هر اثر، بیانگر توضیحات مرتبط با بیان مسئله است که کمک قابل ملاحظه‌ای برای ترسیم و درک صحیح مطالب کتاب برای خواننده خواهد داشت اصولاً نویسنده نکات مهم و اساسی مدنظر خود را در خصوص اثر علمی، در مقدم بیان می‌نماید که می‌تواند بیانگر باورهای وی، اهداف، پیشینه موضوع، معرفی و ساختار محتوای کتاب باشد. بدون مقدمه وارد متن یادگیری شدن موجب بروز ابهامات و اشکالاتی می‌شود که از حضور علاقه‌مندان یادگیرنده در فرآیند یادگیری جلوگیری می‌کند (ملکی، ۱۳۸۴، ۱۰).
- با توجه به حجم زیاد مباحث، پیشنهاد می‌گردد، در هر فصل نمایی شماتیکی از موضوعات فصل در راستای دسته‌بندی مباحث ارائه شود.

- پیشنهاد می‌شود مؤلفان، فصلی جداگانه برای تحلیل یک شرکت هلدینگ با توجه به مباحث آورده شده در کتاب انجام دهند تا مطالب کتاب برای مخاطب بیشتر و بهتر قابل فهم باشد.

مؤلفان می‌بایست از سبک منبع‌نویسی (APA) در پایان متن استفاده کنند، لازم است بازنگری کلی در خصوص منبع‌نویسی پایان متن انجام گیرد.

کتاب‌نامه

اکبری تبار، علی اکبر، (۱۳۹۱)، «مطالعه‌ای درباب فرآیند طراحی جلد کتاب؛ به همراه نتایج نظرسنجی در مورد طرح جلد کتاب‌های انتشارات سوره مهر»، فصلنامه تحلیلی پژوهشی کتاب مهر، شماره پنجم، بهار، صص ۱۲۸-۱۵۱.

آرمند، محمد، (۱۳۹۹)، «نقدی بر کتاب پژوهش و نگارش درسی، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ماهنامه علمی - پژوهشی، شماره دهم، دی، صص ۳-۱۷.

خاشعی‌ورنامحواسی، وحید و ولیان، علیرضا، (۱۳۹۷)، مدیریت استراتژیک هلدینگ چارچوبی برای استراتژی‌های سرپرستی، دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول، ۳۷۰ ص.

رسولی، رضا و صالحی، علی، (۱۳۹۷)، مدیریت استراتژیک پیشرفته، دانشگاه پیام‌نور، چاپ دوازدهم، ۳۵۸ ص.

رضی، احمد، (۱۳۸۸)، «شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی»، سخن سمت، شماره ۱، بهار، صص ۲۱-۳۰.

سلیمان زاده نجفی، نیره‌السادات و اشرفی‌ریزی، حسن و یارمحمدیان، محمدحسین و شهرزادی، لیلا، (۱۳۹۲)، «ساخت و اعتباریابی مقیاس سنجش مقالات نقد کتاب درسی دانشگاهی، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی»، شماره ۳۱، پاییز و زمستان، صص ۱۴-۳۰.

سمیعی (گیلانی)، احمد، (۱۳۹۲)، نگارش و ویرایش، چاپ سیزدهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

شقایق، مهدی، (۱۳۹۹)، «نقدی بر کتاب اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی»، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ماهنامه علمی - پژوهشی، شماره دهم، دی، صص ۲۲۳-۲۴۲.

شموسی، نعمت‌الله، (۱۳۸۱)، «استناد به منابع الکترونیک در مقالات علمی»، فصلنامه اطلاع‌رسانی، شماره ۳ و ۴، بهار و تابستان.

نقد کتاب مدیریت استراتژیک هلدینگ ... (کریم اسگندری و دیگران) ۶۹

طباطبایی، حمیدرضا و فاضل‌زاده، امید، (۱۳۹۲)، «رعایت اصول صحیح مقاله‌نویسی در مقالات چاپ توسط اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶»، مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، شماره ۲، صص ۲۸-۳۴.

ملکی، حسن، (۱۳۸۴)، شیوه طراحی و تألیف کتاب درسی (بخش مقدمات کتاب)، سخن سمت، شماره ۱۴، صص ۹-۲۲.

منصوریان، یزدان، (۱۳۹۲)، «صد ویژگی کتاب‌های دانشگاهی کارآمد و اثربخش»، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۱۷، صص ۱-۱۷.

یغمائیان، اکرم، (۱۳۹۴)، «معرفی سبک APA جهت استفاده نویسندگان و پژوهشگران»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۵۵، پاییز، صص ۱۳۹-۱۵۶.

